

و جایگاه آن در ادب فارسی

دکتر خلیل فائزی

استادیار دانشگاه پیام‌نور مرکز نقده

حمیرا صادقیان

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام‌نور مرکز نقده

چکیده

طنز یکی از انواع ادب انتقادی است که در ادبیات کلاسیک فارسی، به‌عنوان نوع ادبی مستقل و به مفهوم واقعی بسیار کمیاب است و حد و مرز مشخصی با دیگر مضامین انتقادی و خنده‌آمیز چون هجو و هزل ندارد. از واژه طنز، اغلب معنی لغوی آن یعنی مسخره کردن و طعنه زدن مدنظر شاعران و نویسندگان بوده ولی معنی امروزی آن - که بیشتر جنبه انتقاد غیرمستقیم با چاشنی خنده به قصد اصلاح موردنظر است - از واژه satire اروپایی گرفته شده است. طنز در واقع، انتقادی است بر نابسامانی‌ها و مشکلات موجود در جامعه و طنز‌نویس آگاه و باهوش با آشکار کردن و بزرگ کردن معایب و نواقص جامعه در صدد اصلاح آن‌ها برمی‌آید. مقاله پیش‌رو پژوهشی است در تعریف طنز و پیوند آن با هجو و هزل و تبیین جایگاه آن در ادبیات فارسی.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، طنز، هجو، هزل، جایگاه طنز

مقدمه

طنز یکی از قدیم‌ترین انواع ادبی است و در ادبیات همه کشورهای، یکی از ابزارهای ادبی به‌شمار می‌آید و در ادبیات فارسی نیز پیشینه‌ای طولانی دارد. شعر و نثر فارسی سرشار از مضامین طنزآمیز است. این نوع ادبی، اغراض و انگیزه‌های گوناگونی دارد که بر اثر تحول و پیشرفت ادبی پدید آمده‌اند. شاعران و نویسندگان با بهره‌گیری از طنز، واقعیات و به‌خصوص مسائل و

مشکلات و دردها و محرومیت‌های اجتماعی را در آثار خود بیان می‌کنند. از طنز در قالب «هجو، هزل، لطیفه و فکاهه» استفاده شده و این گونه ادبی بخش مهمی از ادبیات فارسی را به خود اختصاص داده است.

طنز

طنز مصدر عربی و در لغت به معنای «فسوس کردن، طعنه، سخریه، بر کسی

با مشخص کردن هدف و انگیزه طنز و دیگر ویژگی‌های آن می‌توان به تعریف‌ها و نتایج زیادی دست پیدا کرد. این ویژگی‌ها در آثار ادبی حاکی از روح بی‌تاب و حساس نویسنده یا شاعر است که دردهای محیط خود را می‌بیند و در جهت رفع و اصلاح آن‌ها می‌کوشد

خندیدن، عیب کردن و سخن به رمز گفتن و سرزنش کردن و مسخره کردن» آمده است (فرهنگ دهخدا و معین، ذیل واژه طنز).

«طنز به دسته‌های از نوشته‌های ادبی گفته می‌شود که با دست‌مایه «آیرونی» و «تهکم» و طعنه به استهزا و نشان دادن عیب‌ها، زشتی‌ها، نادرستی‌ها و مفاسد فرد و جامعه می‌پردازد.» (داد، ۱۳۸۰: ۲۰۸)

طنز اصطلاحی امروزی است و «قدما اگر چه آن را در شعر و نثر به معنی نیش و کنایه آورده‌اند، اما از آن به‌عنوان یک اصطلاح ادبی یاد نکرده‌اند» (صلاحی، ۱۳۸۴: ۶).

به‌نظر بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۸۳: ۱۹۲) طنز کلامی است که نکته‌ای دربردارد و با خوش‌باشی و شنگولی و یک نوع شادی، بیان می‌شود. جاناتان سویفت، نویسنده انگلیسی، از حیث کارکردی به طنز می‌نگرد و در این باره می‌گوید: «طنز آینه‌ای است که بیننده، چهره هر کسی جز خویش را در آن می‌بیند و این علت عمده اسبقالی است که از طنز در دنیا می‌شود و باز به همین خاطر است که کمتر کسی از آن می‌رنجد» (پلارد، ۱۳۸۱: ۵۰). در کتاب «فرهنگ واژگان» (Cuddon، ۱۹۸۴: ۵۹۸)، جانسون طنز را نوعی از شعر می‌داند که در آن شرارت و حماقت مورد سرزنش قرار می‌گیرد. در آیدن ادعا می‌کند که هدف حقیقی از طنز اصلاح شرارت‌هاست و به عقیده دفو طنز اصلاح اساسی است. یکی از مشهورترین تعریف‌ها از طنز، تعریف سویفت است. او می‌نویسد: طنز پرداز، نوعی نگهبان و قیّم خود گمارده می‌زان‌ها و کمال‌های مطلوب، حقیقت‌ها و ارزش‌های زیباشناسی و اخلاقی است. او بر خود واجب می‌داند که نابخردی‌ها و فسق و فجورهای جامعه را سرزنش کند و به استهزا بگیرد. طنز پرداز از انحراف از معیارهای تمدن را به تمسخر می‌گیرد و تحقیر می‌کند. وی طنز را نوعی انتقاد و مخالفت و نوعی متعالی و پالایش‌یافته خشم قلمداد می‌کند. همچنین طنز‌نویس را درمان‌گر روح و روان می‌داند که کار اصلی وی نابود کردن ریشه‌های مسبب بیماری‌های عمده روانی از قبیل: ریاکاری، تکبر و طمع است. شفیعی کدکنی (۱۳۸۸: ۱۱۴) طنز را

بی‌نوشت‌ها

1. Satire
2. Lampoon
3. Facetiae

منابع

۱. آربین پور، یحیی؛ از صبا تا نیما، زوار، ج ۸، تهران، ۱۳۸۲.
۲. اخوان ثالث، مهدی؛ نقیضه و نقیضه‌سازان، به کوشش ولی‌الله درودیان، زمستان، ج ۱، تهران، ۱۳۷۴.
۳. استعلامی، محمد؛ مثنوی معنوی، سخن، ج ۷، تهران، ۱۳۸۴.
۴. اصلائی، محمدرضا؛ فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، کاروان، تهران، ۱۳۸۴.
۵. انوری، اوحدالدین؛ دیوان انوری، به تصحیح سعید نفیسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۶.
۶. بهزادی اندوهجردی، حسین؛ طنز و طنزپردازی در ایران، صدوق، تهران، ۱۳۷۸.
۷. بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین؛ تاریخ بیهقی، تصحیح علی‌اکبر فیاض، به اهتمام محمدجعفر باحقی، دانشگاه فردوسی، چ ۴، مشهد، ۱۳۸۳.
۸. پلارد، آرتور؛ طنز، ترجمه سعید سعیدپور، مرکز، چ ۲، تهران، ۱۳۸۱.
۹. جوادی، حسن؛ تاریخ طنز در ادبیات فارسی، کاروان، تهران، ۱۳۸۴.
۱۰. حلی، علی‌اصغر؛ تاریخ طنز و شوخ‌طبعی در ایران و جهان اسلام، بهبهانی، تهران، ۱۳۷۷.
۱۱. مقدمه‌ای بر طنز و شوخ‌طبعی در ایران، بیک، تهران، ۱۳۶۴.
۱۲. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ حافظ حافظه ماست، قطره، تهران، ۱۳۸۳.
۱۳. خطیب رهبر، خلیل؛ دیوان حافظ، صفی‌علیشاه، چ ۷، تهران، ۱۳۸۸.
۱۴. داد، سیمه؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی، مروارید، چ ۴، تهران، ۱۳۸۰.
۱۵. دانش‌پژوه، منوچهر؛ تفنن ادبی در شعر فارسی، طهوری، تهران، ۱۳۸۱.
۱۶. رودکی، جعفر بن محمد؛ گزینة اشعار سخن رودکی، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، صفی‌علیشاه، تهران، ۱۳۶۸.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین؛ حکایات همچنان باقی، سخن، تهران، ۱۳۷۶.
۱۸. سعدی شیرازی، مصطفی‌الدین؛ بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی، چ ۹، تهران، ۱۳۸۷.
۱۹. گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی، چ ۱۰، تهران، ۱۳۹۱.
۲۰. سنایی غزنوی، ابوالمجد محمد بن آدم؛ حدیقه الحقیقه، تصحیح مدرس رضوی، سپهر، تهران، ۱۳۲۹.
۲۱. شاملو، احمد؛ حافظ شیراز، مروارید، تهران، ۱۳۵۴.
۲۲. شفیع‌کدکنی، محمدرضا؛ مفلس کیمیا فروش (نقد و تحلیل شعر انوری)، سخن، چ ۲، تهران، ۱۳۷۴.
۲۳. —؛ این کیمیا هستی، گردآوری ولی‌الله درودیان، آیدین، چ ۳، تبریز، ۱۳۸۸.
۲۴. صلاحی، عمران؛ طنز آوران امروز ایران، مروارید، چ ۸، تهران، ۱۳۸۴.
۲۵. زاکانی، عبیده کلیات، تصحیح و تحقیق پرویز اتابکی، زوار، چ ۴، تهران، ۱۳۸۴.
۲۶. کریمی حکاک، احمد؛ گفتاری بر طنز، لوح ۲ و ۳، ۱۳۵۹.
۲۷. مولوی، جلال‌الدین محمد؛ مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، طوس، تهران، ۱۳۷۵.
۲۸. مینوی، مجتبی و مهدی محقق؛ دیوان اشعار، چ ۵، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۸.
۲۹. نظامی گنجوی، ابی‌اسد یوسف؛ خسرو و شیرین، تصحیح حسن وحید دستگردی، افکار، تهران، ۱۳۸۵.
۳۰. نیکویخت، ناصر؛ هجو در شعر فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۰.
31. Cuddon, J. A. (1984), A dictionary of Literary terms newYork. Panguin book.

نظم و نثر اطلاق می‌شود که در آن شاعر یا نویسنده با بزرگ‌نمایی و نمایان‌تر جلوه‌دادن جهات زشت و منفی و معایب و نواقص پدیده‌ها و روابط حاکم بر حیات اجتماعی در صدد تذکر، رفع و اصلاح آن‌ها برمی‌آیند. «اصلائی (۱۳۸۵: ۱۴۰) به نوع خاصی از آثار منظوم یا منثور ادبی که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد، طنز اطلاق می‌کند.

دنباله مطلب در وبگاه نشریه

«تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین» تعریف می‌کند و معتقد است جامع‌تر و دقیق‌تر از آن را در هیچ زبانی نیافته‌است. او توضیح می‌دهد که در مرکز تمام طنزهای واقعی ادبیات جهان، از داستان‌های چخوف گرفته تا حکایات عبید و کلمات قصاری که از بزرگان ادب و هنر نقل می‌کنند و از مقوله طنز شمرده می‌شود، این تصویر هنری اجتماع نقیضین قابل رؤیت است. در کتاب «هجو در شعر فارسی» (نیکویخت، ۱۳۸۰: ۲۲) آمده که «طنز در اصطلاح اهل ادب به روش ویژه‌ای در

